

طی چند ساله گذشته یک روند انحطاط در عملکرد اقتصادی ایران ملاحظه می شود و این روند طیف متنوعی از نگرانیها و آشفتگی های ذهنی را در سطح نظام تصمیم گیری، تولیدکنندگان و عامه مردم موجب شده و همه وجود گشایشی را در اقتصاد ایران مطالبه می کنند. اما وعده گشایش به شیوه امروز باز شدن باب جدیدی از آینده فروشی و غیرمولدپروری و پشت کردن به تولید است؛ پرسش این است که آیا میتوان از طریق به حاشیه راندن افراطی تولید و انقطاع مطلقه از آن چشم امیدی به گشایش و بهبود وضعیت جامعه داشته باشیم یا خیر؟

تجربه دنیا ثابت کرده که محال است گشایش توسعه گرا، پایدار و اعتلایبخش در کشوری پدید بیاید بدون اینکه توجه به بنیان های علمی - فنی تولید و به معنای دقیق کلمه حمایت از تولید توسعه گرا و تولیدی که دانایی و توانایی محور است در دستور کار قرار بگیرد.

این یک مسئله بسیار تکان دهنده در اقتصاد سیاسی ایران است و حدود ۳۱ سال از زمانیکه به صورت تدریجی و فزاینده و امروز به صورت نظام وار فرایندهای تصمیم گیری و تخصیص منابع در ایران پشت به تولید کرده اند و رانت پروری و غیرمولدپروری را پیشه خود کرده اند، میگذرد؛ در این شرایط انتظار گشایش یک انتظار به غایت پرهزینه، فاجعه ساز و با چشم اندازهای بسیار نگران کننده است که تحریک به آشوب و ناآرامی و تعمیق وابستگی های ذلت به دنیای خارج و از کارکرد افتادگی همه ارکان نظام حیات جمعی را به دنبال دارد.

در مواجهه با این مسئله و برای روشن کردن ذهن نظام تصمیم گیری اساسی کشور می توانیم از دو روش استفاده کنیم: نادرستی ها و تناقض و ناکارآمدیهای طرح پیش فروش نفت را برجسته کنیم؛ نشان دهیم زمانی که به تولید پشت میکشیم، و انگیزه های سرمایه گذاری مولد از بین می رود، نباید انتظار بهبود اوضاع داشت.

اگر ما قادر باشیم هزینه های این مسئله را به ویژه از منظر مشروعیت زدایی از حکومت، فرهیختگان، نخبگان و آسیب هایی که از نظر فقر ایجاد یأس و سرخوردگی در میان مل و فلاکتی به اکثریت مردم تحمیل می کند و محیط زیستی که رو به نابودی گذاشته می شود، آشکار کنیم، شاید این امید وجود داشته باشد که علاج واقعه قبل از وقوع شود و قبحات رویکردهای ضد توسعه و رانت محور و فاجعه سازیهای آن تا اندازه ای برمال شود.

زمانی که شما میبینید چگونه با الفاظ بازی می شود و برای یک آینده فروشی خطرناک عنوان گشایش گذاشته می شود می توانید بازی با الفاظ و منطق های نام گذاری را در ابعاد متنوع تری مورد توجه قرار دهید. در جامعه ای که بالغ بر ۷۵ درصد جمعیت بنا به تصریح گزارش های رسمی معاونت رفاهی، وزارت کار و هیئت وزیران نیازمند حمایت برای بقا هستند اینکه شما می گوید گشایش برای مردم است باید بگوئید برای کدام مردم؟ کدام مردم هستند که به انگیزه های سوداگرانه می توانند منابع خودشان را صرف این قضیه کنند؟ آیا میتوانید اسم این کار را گشایش بگذارید در حالی که در بهترین حالت اگر تمام آثار فاجعه ساز این سیاست نادیده گرفته شود فقط و فقط می تواند بحران را اندکی به تعویق بیندازد و یک راه کوتاه نگرانه با هزینه های سنگین تر آتی برای بدهکار کردن دولت و با



دیدگاه

فرشاد مومنی - استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

کوتاه نگر در گشایش فروش نفت راه گشایش اقتصاد نیست

هدف تأمین کسری مالی دولت در دستور کار خودش قرار دهد؟ آیا گشایشی برای مردم اتفاق می‌افتد؟ قیمت نفت در سالهای آتی افزایش پیدا کند دولتی که اگر به گفته برخی احتمال تا خرخره در بدهی قرار دارد و براساس مفاد بودجه سال ۱۳۹۹ خودش برای گذران امور جاری اش فرمان فروش هر دارایی قابل فروش را داده و طیف متنوعی از راه‌های بدهکارسازی را هم در دستور کار قرار داده و حکومت و دولت بعدی را به گروگان رویه‌های کوتاه‌نگرانه خودش می‌گیرد، چه می‌تواند بکند؟

با این هزینه گزاف که حیثیت و مشروعیت دولت را به چالش میکشد زمانی که سررسید ادای این تعهدات فراهم می‌شود، این اقدام آیا نسبتی با حل مشکل بیکاری گسترده و فراگیر در کشور دارد؟ آیا قادر است مسئله تورم را حل کند؟ آیا این کار میتواند روند سقوط انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را حل و فصل کند؟ با این کار که یک گام منحوس در جهت دلاری کردن اقتصاد ایران است آیا چشم امید داریم که گشایش از این طریق پدیدار شود؟

با نهایت تأسف باید عرض کنم این کار چیزی اسفبارتر از ماجرای تلاش برای حذف چهار صفر است. در شرایطی که کشور این همه تنگنا و بحران دارد چرا دولت و مجلس و قوه قضائیه گرامی به آن مسائل بنیادی تا این درجه راه‌للهای کوتاه‌نگرانه شکل گرایانه، صوری و بی‌محتوا و نمایشی بی‌توجهی می‌کنند و دائماً را در دستور قرار می‌دهند؟ اگر می‌خواهید گشایش اتفاق بیفتد باید فضایی را که در آن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری تولیدی به طرز فاجعه‌آمیزی سقوط کرده مورد رمزگشایی و آسیب‌شناسی قرار دهید

باید اصلاح نظام پاداش‌دهی را که فعالیتهای مولد را دچار انبوهی از فشارها، ریسک‌ها و ناطمینانی‌ها کرده و بر خورداری‌های غیرمتعارف برای رانت‌جوها و رباخورها و دلال‌ها ایجاد کرده در دستور کار قرار دهید. شما باید نظام بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی کشور را در دستور کار قرار دهید تا گشایش ایجاد شود. شما باید برای تهدیدهای پرتعداد و بحران‌های پر شمار اقتصادی-اجتماعی که کشور دارد برنامه ارائه دهید.

اگر این کارها را انجام دهید می‌توانیم امید گشایش داشته باشیم. آیا دولت و مجلس محترم بررسی کرده‌اند

مخاطب‌های اصلی فرصت جدید برای قمار و سوداگری چه کسانی هستند؟ آیا همچنان می‌خواهند به نام مردم و به کام غیر مولدها گام‌های جدید برداشته شود؟ در اثر آن سقوط بنیه تولیدی، سقوط کیفیت زندگی مردم، سقوط توان مالی دولت را به گونه‌ای که طی سه دهه گذشته شاهد بوده‌ایم، تکرار کنیم؟

نجام این کار برای خود دولت که در چهارچوب قانون بودجه سال ۱۳۹۹ پیش‌بینی کرده که اوراق خزانه منتشر کند، به معنای آن است که دولت خودش برای سیاست خودش رقیب جدید می‌تراشد.

این کار بدین معناست که یک بازی رانتی جدید پدیدار شده و بنابراین حقوقی‌های رانتی، معدنی و مالی از بورس بیرون بیایند و سراغ طعمه جدید بروند. اکنون می‌فهمید که کوچکترین سقوط در بورس به گواه آنچه در دو هفته اخیر مشاهده کردید، می‌تواند چه نوع التهاب‌ها و ماجراهایی برای کشور به وجود بیاورد. اما از منظر اصولی اگر در جست‌وجوی گشایش هستیم باید یک ارزیابی آسیب‌شناختی درباره همه سیاست‌هایی داشته باشیم که انگیزه‌های تولید فناورانه در ایران را با مخاطره و چالش‌های بی‌سابقه تاریخی روبه‌رو کرده است. زمانی که از این زاویه نگاه می‌کنید مواجه با آدرسهای غلط روبه‌رو هستیم.

یک بار تولید را ترویج می‌شوید طی سه دهه گذشته دائماً کنیم تا نجات پیدا کنیم. نه تورسیسم، نه موقعیت ترانزیتی کشور و نه هیچ راه‌حل دیگری جز تولید فناورانه راه نجات ما نیست. مسئولان کشور باید از کارشناسان زیرمجموعه خودشان بخوانند تا از تولید فناورانه برای آنها رمزگشایی کنند.

بحث بر سر این است که مهمترین خصلتی که تولید فناورانه دارد این است که قدرتی بی‌نظیر در خلق نیازهای مصرفی جدید دارد. این بدین معناست که هر کشوری که از این مسئله سر باززند و بنیه تولیدی خودش را ارتقا ندهد خلق شده و افزایش یافته‌اش تبدیل به کانون اصلی ناتوانی در تأمین نیازهای مصرفی جدید بحران مشروعیت و ناپایداری‌های سیستمی برای او خواهد شد.

این مسئله از ربع پایانی قرن بیستم تا امروز که ما با انقلاب در ارتباطات روبه‌رو شده‌ایم ابعاد بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. بنابراین زمانی که از این زاویه شناخت

خودتان را ارتقا می‌دهید متوجه می‌شوید ادبیات بسیار شسته و رفته و روشنی وجود دارد. مراقب شرایطی باشید که در آن تولید قادر به رقابت با فعالیتهای غیرمولد نیست. دلیلی که آنها ذکر میکنند، میگویند تولید با انواع گوناگونی از هزینه‌ها روبه‌رو است که فعالیت‌ها با این هزینه‌ها روبه‌رو نیستند و یا اندازه‌ها و ابعادی که تولیدکننده‌ها با غیرمولد یا اساساً آن روبه‌رو هستند قابل مقایسه با فعالیتهای غیرمولد نیست. هزینه‌های سوخت شده یا از دست رفته، هزینه‌های مربوط به محدود شدن دارایی‌ها در صورت سرمایه‌گذاری تولیدی و هزینه‌های مبادله با انواع شش‌گانه‌اش سه گروه از هزینه‌های پرشماری است که تولیدکننده با آن روبه‌رو است.

بنابراین اگر بازدهی فعالیتهای غیرمولد از تولیدی‌ها بیشتر باشد کسی که از جنبه تولیدی در حد تولید معیشتی باقی خواهد ماند؛ سراغ تولید نمی‌رود و اقتصاد ملی به همین خاطر است که می‌گویند اگر می‌خواهید تولید ریشه‌دار شود برنامه‌های ملی پیشگیری از فساد و ترتیبات نهادی ارتقا دهنده هزینه فرصت مفت‌خواری و برنامه‌های عالمانه حمایت توسعه‌گرا از تولید را در دستور کار قرار دهید. تا زمانی که این سه اتفاق نیفتند و افراد بتوانند از طریق شیوه‌های فاسد و سهل‌خوری و مفت‌خوری و بدون تلاش کوشش بهره‌مندی داشته باشند امکان ندارد تولید ریشه پیدا کند. اما اگر تولید اتفاق افتاد آنگاه از نظر اعتلا بخشی جامعه با ابعاد بی‌سابقه‌ای از مسائل روبه‌رو می‌شوید. در طول تاریخ بشر نام اکثریت قریب به اتفاق تمدن‌ها بر محور کار و تولید و شغل مسلط در آن دوره تعریف شده است. اساس تمدن‌سازی کار مولد و تولید اعتلا بخش است. چگونه می‌شود در طی سه دهه گذشته سال تولید سراغ هر چیزی به عنوان راه نجات می‌روید؟

این‌گله‌ها را که یکی از مطرح‌ترین و بزرگ‌ترین متفکران در زمینه توسعه فرهنگی در دنیا است از این بابت مثال می‌زنم که در آثار خود می‌گوید: «هر کشوری که در جست‌وجوی عینیت‌بخشی به جلوه‌های متعالی اخلاقی و فرهنگی است باید برای شهروندان خود امنیت اقتصادی فراهم کند.» امنیت اقتصادی با رانت‌خواری و مفت‌خواری و دلالی و فساد ایجاد نمی‌شود.

به گفته فردریک لیست، اگر می‌خواهید مردم احساس

تصمیم‌گیری و تخصیص منابع در دستور کار قرار داده شود. اکنون چه در سطح قوه مجریه و چه در سطح قوه مقننه چنین التزام نهادمندی وجود ندارد. این گونه نمی‌شود که سیاست دستکاری نرخ ارز را در یک دوره سیساله بیش از صد بار اجرا کنیم و در هر صد بار هم شکست بخورد و هیچکدام از اهداف اعلام‌شده را بار نیابرد ولی باز برای صد و از طریق سازوکارهای یکمین بار هم در دستور کار قرار بگیرد.

گشایش اقتصادی منحصرًا معطوف به حمایت از تولید توسعه‌گرا امکان‌پذیر است. شیوه ناگهانی که دستور کار مألوف نظام تصمیم‌گیری است و از بنیه کارشناسی کافی برخوردار نیست، یک شیوه مخرب و پرهزینه

جمعی است بدین معنا باید حکومت توسعه‌گرایی وجود داشته باشد تا با نوآوری‌های نهادی کاهنده هزینه مبادله و ایجاد امنیت حقوق مالکیت اطمینان برای سرمایه‌گذاری تولیدی ایجاد کند. پس مسئله تولید فقط یک فعالیت انتزاعی در گوشه خاصی از شهرها نیست، ساخت سیاسی هوشمندی می‌خواهد که روی این دو کار جدی کند و بحث عرضه کالاهای عمومی باکیفیت را در دستور کار قرار دهد، آینده‌شناس باشد، رقبای کشور را زیر ذره‌بین قرار دهد و برنامه حمایت‌گرا از تولید را در دستور کار قرار دهد. این تولید به همان اندازه که به این اعتبار یک امر سیاسی است یک امر اجتماعی هم هست. اگر شما زرنگی و هوشیاری و موفقیت را با

عزت‌نفس و تعلق به کشور داشته باشند و اهل نیکوکاری باشند باید بنیه تولیدی را ارتقا دهید. در ایران به اعتبار مناسبات فاسد و ضد توسعه‌ای شاهد هستیم اصلاً بحث تولید فناورانه را از همه عرصه‌های نظام تصمیم‌گیری کشور خارج کردند و اگر هم گاهی بحثی از تولید می‌شود به خاطر این است که از نام آبرومند تولید به عنوان محملی برای کسب رانت‌های جدید استفاده کنند. اکنون ایران جزو نوادر کشورهای دنیا است که جز سه مورد استثنایی بیش از چهار دهه تورم دورقمی مستمر تجربه می‌کند.

حواستان باشد تورم کشورهای در حال توسعه از بیخ و بن با تورم‌های کشورهای صنعتی متفاوت است. به همین خاطر برای تورم در کشورهای در حال توسعه عنوان تورم ساختاری را برگزیدند بدین معنا که نظام حیات جمعی اشکال دارد. آنها می‌گویند برآیند و تجلیگاه بحران ساختاری که منجر به تورم می‌شود به تنگناهای قسمت عرضه اقتصاد برمی‌گردد. در سه دهه گذشته یک کلمه درباره نقش انحطاط در بنیه تولیدی در شکل‌گیری تورم دورقمی سخن به میان نمی‌آید. در حالی که هم اکنون بانک جهانی می‌گوید در دو دهه گذشته چهار متفکر بزرگ هستند که بیشترین توجه به نظریه‌های توسعه آنها شده است. یکی از آنها عجم‌اغلو است.

در آثار عجم‌اغلو گفته می‌شود کشوری که اهتمام به ارتقای بنیه تولیدی ندارد ناپایداری و نامانی و بی‌ثباتی ذاتی در خواهد کرد. اکنون بعضی از دستگاه‌های پژوهشی رسمی روی شاخص پیچیدگی کار می‌کنند. با همه کاستی‌هایی که این شاخص دارد، در عین حال نقاط قوتی دارد که می‌خواهند توسعه صنعتی ایران را از این کانال ردگیری کنند آنها آثار متفکران کلیدی را که متخصصان هاروارد و ام‌آی‌تی هستند، منتشر کردند. آنجا از موضع تحلیل سطح توسعه می‌گویند از طریق غفلت از بنیه تولیدی و ترویج مصرف‌گرایی راه انحطاط را در پیش می‌گیرید و محال است بتوانید نجات پیدا کنید. هر متفکر بزرگ دیگر توسعه که می‌بینید تمام هم و غمش روی این مسئله استوار است.

زمانی که عزیزان می‌خواهند درباره گشایش صحبت کنند، به غیر از تولید درباره همه چیز حرف می‌زنند و این مسئله بسیار غم‌انگیز است. تولید یک نظام حیات

است. ما باید به این بلوغ فکری در نظام تصمیم‌گیری برسیم که اصل غافلگیری مردم و بقیه اجزای ساختار قدرت برای پیشبرد طراحی شده باشد کفایت ندارد و محکوم به شکست است. سیاستی که ولو با حسن نیت و برطرف کردن گرفتاری‌ها، ذخیره دانایی موجود در کشور برای ارتقای بنیه تولید ملی بسیار فراتر از نیازهای کنونی است؛ نظام تصمیم‌گیری اساسی کشور هیچ تصمیمی را ناگهانی نگیرند و ناگهانی ابلاغ نکنند. باب گفت‌وگوها و تعامل‌های سازنده با اهل دانش، خرد و تجربه را باز کنند و یقین داشته باشند از طریق جلب مشارکت دانایان، ایران می‌تواند کم‌هزینه‌تر و پردستاوردتر مسیر صعب‌العبور کنونی به سمت توسعه را پیش رود.

کلک‌زدن و شارلاتان‌بازی و از زیر کار در رفتن تعریف کرده‌باشید و برخورداری‌های بدون زحمت را ترویج کنید و هنجارهای شما روی آن چهارچوب تعریف شده باشد، معلوم است هم یک مسئله حیاتی است که نمی‌توانید از عهده تولید بر بیایید. از نظر امنیت ملی هر کدام از آنها شرح و بسطی برای خود دارد. آنچه که در شرایط کنونی مسئولان کلیدی کشور باید متوجه شوند این است که آنها ضد تولید و مفت‌خوارگی نظام حیات جمعی هستند. ابعاد خیلی غیرمتعارف‌تری از اینکه ضد تولید و توسعه هم به یک نظام حیات جمعی محکوم به شکست است. به تبدیل شده و بنابراین مواجهه غیر برنامه‌ریزی شده با آن قطعاً صورت بنیادی راه نجات ایران این است که ابتدا یک التزام نهادمند به کار بست علم در فرآیندهای